سرمقاله

امنیت افغانستان و امکان تجدید نظر در سیاست آمریکا

حفیظ الله زکی

اشتون کارتر که از سوی رئیس جمهور اوباما برای وزارت دفاع ایالات متحده امریکا نامزد شده است، گفته است که در صورت وخیم شدن وضعیت امنیتی افغانستان برنامه کنونی خروج همه نیروهای امریکایی تا آخر سال آینده را تغییر خواهد داد.

اکنون حدود ۱۰ هزار سرباز امریکایی در افغانستان حضور دارند و براساس برنامه کاخ سفید، این نیروها قرار است به تدریج تا پایان سال ۲۰۱۶ کاملاً از افغانستان خارج شوند و حضور نظامی امریکا در افغانستان به تامین امنیت سفارت این کشور کاهش یابد. اگرچه این نیروها می تواند تا سال ۲۰۲۴ در افغانستان باقی بماند؛ اما پیش از این رییس جمهور آمریکا گفته بود که نیروهای آن کشور تا پایان سال ۲۰۱۶ افغانستان را ترک خواهند کرد.

نامزد وزارت دفاع ایالات متحده امریکا گفته است که از گزارش‌ها راجع به تلاش گروه «دولت اسلامی» برای گسترش فعالیت‌هایش به افغانستان آگاهی دارد و با شرکای ایتلاف کار خواهد کرد تا از چنین چیزی جلوگیری شود. قبلا رئیس جمهور افغانستان نیز در مورد خروج نیروهای امریکایی ابراز نگرانی کرده بود. وی گفته بود که تاریخ تعیین شده برای خروج نهایی سربازان امریکایی از افغانستان ممکن است نیازمند بررسی مجدد باشد.

بحث ماندن و رفتن نیروهای خارجی از افغانستان با واکنش های متفاوت مواجه بوده است. بسیاری از کارشناسان و کشورهایی که از نفوذ تروریسم و افزایش ناامنی در منطقه نگرانی دارند، خروج نیروهای خارجی را زود هنگام می دانند و معتقداند که این کشور پس از خروج نیروهای خارجی دچار بی نظمی و هرج و مرج خواهد شد. کشورهای آسیای میانه و روسیه از جمله کشورهایی اند که از خروج کامل نیروهای خارجی اظهار نگرانی کرده اند.

اما طیف دیگر، باقی ماندن نیروهای خارجی را برای امنیت افغانستان زیاد مؤثر نمی دانند. اینها بر این باور اند که حضور نظامیان خارجی در افغانستان در سال های گذشته سبب بهبود امنیت در افغانستان نگردیده و با خروج این نیروها، ناامنی در کشور بیشتر نخواهد شد.

حال پرسش این است که آیا با وجود تهدیدات بالفعل و بالقوه امنیتی، نیاز است تا در تصمیم ایالات متحده آمریکا در مورد خروج کامل نیروهای امنیتی اش تا پایان سال ۲۰۱۶ از افغانستان تجدید نظر صورت بگیرد یانه؟ آیا نیروهای امنیتی افغانستان از هر نظر آمادگی مقابله با تهدیدات امنیتی را دارد؟ آیا خروج نیروهای خارجی حساسیت ها و تبلیغات منفی علیه نظام فعلی کشور را کاهش خواهد داد: آیا این امر در نهایت به بهبود امنیت در کشور منجر خواهد شد؟

وزارت دفاع کشور تاکید می کند که نیروهای امنیتی از هر لحاظ آماده دفع حملات مخالفین مسلح دولت هستند و معتقداست که نیاز به تجدید نظر در مورد افزایش نیروهای بین المللی در افغانستان دیده نمی شود. مسؤلان این وزارت می گویند که نیروهای بین المللی تنها در جاهایی که دارای گراف ناامنی بسیار بالا می باشند، مفید و مؤثر واقع می شود و در سایر موارد قوت های دفاعی ما قادر به مقابله با گروه های هراس افگن می باشند.

به هر حال این که گفته شود ما به نیروهای خارجی نیاز نداریم، نه پذیرفتنی است و نه با واقعیت های جاری کشور همخوانی دارد. لذا تنها چیزی که در این زمینه مطرح است، این است که اولا نقش و صلاحیت نیروهای خارجی پس از سال ۲۰۱۴ در افغانستان به آموزش، مشوره دهی و کمک های تخنیکی محدود شده است و از اینرو نمی توان از آنها انتظار داشت که در جنگ و مقابله نظامی با نیروهای امنیتی همکاری کنند. ثانیا تعداد این نیروها از صد هزار نفر به ده هزار تن کاهش یافته و این تعداد نقش کمتری می توانند در تأمین امنیت کشور بازی کنند؟

حضور این نیروها در افغانستان چنانچه هیچ فایده ای در راستای امنیت کشور نداشته باشد، حداقل به لحاظ روانی می تواند هم برای نیروهای امنیتی و هم برای مردم افغانستان مفید واقع شود و از جانب دیگر دشمنان افغانستان هم متوجه می شوند که جامعه جهانی این کشور را تنها نگذاشته و از اینرو اجازه نمی دهند که افغانستان بار دگر به لانه تروریسم تبدیل شود.

حملات خودی؛

ایجاد ترس مضاعف در میان نیرو های امنیتی

علی قادری

از سه سال بدین سو، هر از چند گاهی، نیرو های امنیتی کشور قربانی حملات خودی می شود. با وجود تکرار بار بار این رویداد اما، کمی این مسئله واکنش های جدی را در پی داشته است. تکرار این رویداد نشانه ای چیست؟ آیا گروه طالبان و دیگر مخالفین مسلح دولت در درون نیرو های امنیتی نفوذ کرده است؟ آیا در درون نیرو های امنیتی آدم ها دچار سرخوردگی و ناامیدی می شود؟ حملات خودی هر دلیل داشته باشد؛ چرا نخبگان سیاسی و نظامی برای جلوگیری از چنین حملات اقدامات را روی دست نمی گیرد؟ نوشتار کنونی به دنبال واکاوی و ریشه یابی حملات خودی است. نگاه انتقادی این نوشتار بیشتر متوجه سیاستمداران و نخبگان نظامی کشور می باشد.

همان طور که در بالا متذکر شدم، حملات خودی از سه سال بدین سو، هر از چند گاهی اتفاق می افتد.

در تازه ترین مورد، در یک پاسگاه در ولسوالی میوند ولایت قندهار دو پلیس هفت همکار خود را به رگبار بسته است و فرار نموده است. بر اساس گفته های ساکنین این ولسوالی این دو فرد اسلحه کشته شده ها را نیز با خود برده است. بدون شک، این رویداد غمبار و تکان دهنده است. این رویداد هم برای نظامیان و نیرو های امنیتی و هم برای مردم افغانستان زجر آور است. در این اواخر که نیروهای امنیتی مسئولیت کامل تامین امنیت کشور را به عهده گرفته بود مورد حمایت ها و پشتیبانی های زیادی مردم قرار گرفته است. شاید بعد از گرفتن مسئولیت های امنیتی این غم بارترین و غم انگیز ترین رویداد خونین برای نیرو های امنیتی کشور است.

اما، یکی از دلایلی که به احتمال زیاد به ذهن همه خطور کند نفوذ گروه های تند رو در صفوف نیرو های امنیتی کشور است. گروه های همانند گروه طالبان از هر ابزار ممکن برای از پا در آوردن نیرو های امنیتی کشور استفاده می کند. از ۲۰۰۱ به این سو، گروه طالبان نشان داده است که برای دست یابی به هدف آن ها از هر ابزار ممکن استفاده می کند. استفاده از کودکان معصوم از مواردی بوده است که آن ها بار ها صورت گرفته است. در مواردی حتی، برای کشتن دشمنان خود در درون مسجد نیز دست به حمله زده است. با توجه به چنین استفاده های گروه طالبان از ابزار های مختلف به نظر می رسد که گروه طالبان در درون نیرو های امنیتی نفوذ کرده باشد.

تکرار شدن بار بار حملات خودی بیانگر همین مسئله است. گروه طالبان، در سه چهار سال گذشته از پروسه صلح نیز به عنوان ابزار استفاده نموده است. از جانب حکومت افغانستان پروسه صلح به پیش برده می شد اما، گروه طالبان در کنار اینکه برخی حلقات خود را وارد گفتگوی صلح می کردند، حلقات دیگر شان دست به حملات خشونت بار می زدند. کشتن رئیس شورای عالی صلح یکی از نمونه های بسیار واضح و روشن است.

در کنار این مسئله، باید حضور داعش در افغانستان نیز مطرح است. گفته می شود که گروه داعش در افغانستان ماهانه در حدود پنج صد دالر آمریکایی به نیرو های خود می دهد.

از آنجایی که معاش ماهانه نیرو های امنیتی کشور پایین از رقم مذکور است، این مسئله می تواند افرادی را در درون نیرو های امنیتی وسوسه نماید که از نیروهای امنیتی کشور جدا شده و با حملات روی نیرو های خودی وفاداری خود را به گروه داعش ثابت سازد.

با این حال، هیچ نشانه ای وجود ندارد که گروه داعش در درون نیروهای امنیتی نفوذ کرده باشد.

اما، این احتمال را باید در نظر گرفت و اقدامات به منظور جلوگیری از نفوذ گروه داعش در درون نیرو های امنیتی جلوگیری کرد.

با توجه به اینکه، دو حمله کننده بر از کشتن همقطاران خود سر آن ها را بریده است به نظر می رسد که این ها تحت تاثیر گروه داعش قرار دارد.

اقدام از سوی نخبگان سیاسی و نظامی صورت نگرفته است. نگارنده در یک نوشته دیگر بیان داشته باشد که پروسه جلب و جذب در نیرو های امنیتی کشور باید مورد بازنگری قرار گیرد و جلب و جذب افراد با توجه به معلومات موثق در مورد گذشته افراد صورت گیرد. این در حالی است که جلب و جذب افراد در نیرو های امنیتی تنها منحصر به صحت مندی آن ها صورت می گیرد. کمتر تحقیق روی سوابق و زندگی شخصی آن ها صورت می گیرد.

زندگی شخصی، سابقه جرمی افراد تاثیری بر رفتار های کنونی افراد دارد. کسی که در گذشته عضو گروه طالبان بوده است کشتن نیروهای امنیتی برای شان ساده و پیش پا افتاده است. کسی که در گذشته سابقه جرمی داشته است مانع ذهنی و روحی برای کشتن ندارد.

از آنجایی که نیرو های امنیتی مسئولیت تامین امنیت سراسر کشور را به عهده دارد رویداد این چنینی تاثیر مخرب بر روح و روان آن ها می گذارد. بنابراین، لازم است که اقدامات روی دست گرفته شود که از تکرار رویداد های این چنینی جلوگیری شود. تا مبادا، رویداد های این چنینی منجر به کاهش انگیزه نیرو های امنیتی در مبارزه با مخالفان مسلح دولت و کاهش انگیزه مردم در پیوستن به نیرو های امنیتی نگردد. حملات این چنینی بدون شک، ترس از پیوستن به نیرو های امنیتی را افزایش می دهد. ترس مضاعف در درون نیرو های امنیتی سخت و دشوار است. از طرفی ترس از کشته شدن به دست گروه های مخالف مسلح دولت و از طرف دیگر ترس از کشته شدن به دست نیرو های خودی. ترس مضاعف درد مضاعف به همراه دارد. اضطراب نیرو های امنیتی دو برابر و چند برابر می شود.

بنابراین، بر نخبگان سیاسی و نظامی لازم است که در پی راهکاری باشد که انگیزه نیرو های امنیتی پایین نیاید و اقدامات روی دست بگیرد که دیگر چنین رویداد های المناک اتفاق نیافتد. در غیر، آن نخبگان سیاسی و نظامی باید شجاعت آن را داشته باشد تا بار مسئولیت را به دوش گرفته و پست های خود را رها نماید و وظیفه خود را به افراد متعهد تر بسپارد.

نظام های انتخاباتی و نظام انتخاباتی در کشور

عبدالرحمن فهیمی

حکومت جدید وحدت ملی تشکیل شده از دو تیم سیاسی رقیب در انتخابات، برمبنای یک بحث مهم شکل گرفته است: اصلاح نظام انتخاباتی. سازوکار چیده شود که دیگر کشور، شاهد بحران های انتخاباتی نباشد. بحران های که در تمامی عرصه ها و زمینه ها بحران می آفریند.یک بخش از وزیران و اعضای کابینه از سوی پارلمان تایید شده و به کار شان آغاز کردند. وزیران داخله، خارجه، مالیه، معادن، صحت عامه، امور مهاجرین، حج و اوقاف و رییس امنیت ملی، روز گذشته به دفترهای کاری شان معرفی شدند و بر اساس وعدهٔ سران حکومت، قرار است نامزد وزیران دیگر نیز، به اسرع وقت، به پارلمان معرفی شده و پس از اخذ رای اعتماد از آن نهاد، کارهای شان را آغاز خواهند کرد.

به نظر می رسد که پس از معرفی، تایید و آغاز بکار وزیران حکومت، نوبت اصلاح نهادهای انتخاباتی می رسد.

معرفی اعضای کابینه و آغاز بکار وزیران، مقدمه ای بود که زمینه ای اصلاح نظام انتخاباتی را فراهم می کرد. به عبارت دیگر، راه پله ای بود که حکومت را به بام مقصود اصلاح نظام انتخاباتی هدایت می کرد.بحث نظام انتخاباتی از مدت ها قبل و سالیان پیش، مطرح بود. حزب های سیاسی و برخی از نهادهای مدنی خواستار اعمال نوع از نظام انتخاباتی بودند. در این روزها، در کنار طرح بحث سیاسی اصلاح نظام انتخاباتی، بحث چگونگی و ماهیت و نوعیت آن نیز مطرح شده است. برخی خواستار آغاز بکار کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی است و از این رهگذر، از جدیت و جدیت نداشتن رییس جمهور یا رییس اجرایی ستایش و یا نکوهش می کنند و یا مانند سفیر اتحادیه اروپا هشدار می دهند و برخی هم، این پرسش را مطرح می کنند که اساسا چه نوع اصلاحاتی در نظام انتخاباتی کشور اعمال گردد؟ آیا فقط مدیران نهادهای انتخاباتی تغییر و تبدیل گردیده و سازوکارهای جدید جهت گزینش آن ها جستجو گردد؟ و یا فراتر از آن، در مورد نظام انتخاباتی تامل صورت گیرد؟ گرچند توان ضعیف نگارنده و موجز بودن مقاله، این اجازه را نمی دهد تا به صورت وسیع و فراخ در مورد نظام های انتخاباتی تجربه شده در دنیا بحث صورت گیرد، اما، فقط جهت حصول هدف و روشن شدن بحث، توضیح کلی و اشارهٔ کوتاه در مورد نظام های انتخاباتی می نماییم.

۱. نظام های انتخاباتی

انتخابات مجموعه عملیاتی است که در جهت گزینش فرمان روایان یا تعیین ناظرانی برای مهار کردن قدرت، تدبیر شده است . از این دیدگاه، انتخابات به معنای فنون گزینش و شیوه های مختلف تعیین نمایندگان است. به عبارت دیگر، ابزاری است که به وسیلهٔ آن می توان، ارادهٔ شهروندان را در شکل گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان اعمال اقتدار سیاسی مداخله داد .

گرچند از دموکراسی و انتخابات و نقش مردم در تعیین حاکمان و نخبگان قدرت، با پیشینهٔ دور و درازی سخن زده شده و شهروندان به عنوان فرد نمی توانند کاندیدا شده و وارد صحنهٔ رقابت گردند. تقریبا همگی ریشه های آن را به دولت ـ شهرهای یونان قدیم می رسانند، اما، اساس اندیشه ای که فن گزینش را به عنوان موجه ترین و مشروع ترین ابزار وصول به قدرت و هم چنین رایج ترین شیوهٔ اعمال ارادهٔ مردم قرار دهد امری جدید است . در حال حاضر، دو گونه انتخابات برگزار می گردد. یعنی برای دو هدف مهم انتخابات برگزار شده و شهروندان، ارادهٔ شان را اعمال می کنند.

اول جهت گزینش نخبهٔ درجه یک کشور به عنوان رییس جمهور و دوم، جهت گزینش نمایندگان مردم در مجالس: پارلمان، شوراهای ولایتی، شوراهای شهری و .....

به هر حال، تا کنون، سه نوع نظام انتخاباتی تجربه شده است. نظام های انتخاباتی اکثریتی، تناسبی و مختلط.

۱ . ۱ . نظام انتخاباتی اکثریتی

در نظام انتخاباتی اکثریتی، شهروندان به عنوان فرد فرض شده و با شرکت در انتخابات به کاندیدای مورد علاقه اش رای می دهند. نظام اکثریتی، به دو نوع: «اکثریتی یک مرحله ای و اکثریتی دو مرحله ای» تقسیم می شود. اما به هر صورت فرد و یا دسته های سیاسی برنده نهایی میدان انتخابات خواهد بود که بیشترین رای را کسب کرده باشد.

۱ . ۲ . نظام انتخاباتی تناسبی

اما در نظام انتخاباتی تناسبی، شهروندان به عنوان فرد فرض نشده بلکه به علایق و دسته های مختلف تقسیم می شوند. بلکه بایستی از رهگذر مجموعه ها و دسته های سیاسی وارد عرصه شوند.

بنابراین، در این نظام، بازیگر اصلی حزب های سیاسی بوده و رقابت اصلی با آن هاست. بحث مهم در نظام تناسبی این است که «همهٔ حزب ها و دسته های سیاسی حتی الامکان با توجه به رای خود، بتوانند صاحب کرسی های در پارلمان شده و صدای گروه و دستهٔ شان را بلند کنند».مثلا در حوزهٔ انتخابی که می تواند ۵ نماینده به پارلمان بفرستد و رقابت بین دو حزب سیاسی جریان دارد، حزب سیاسی که آرای اکثریت را بدست آورده است، ۳ کرسی و حزب که رای کم دارد، ۲ کرسی را تصاحب خواهد کرد. حزب های اقلیت نمی توانند اکثریت را در پارلمان تشکیل داده و حکومت تشکیل دهند، اما این فرصت را می یابند تا با توجه به نظر و دیدگاه نمایندگان اش، انتقادهای شان را کرده و صدای شان را بلند کنند.

۱ . ۳ . نظام انتخاباتی مختلط

نظام انتخاباتی مختلط در حقیقت ترکیبی از نظام اکثریتی و تناسبی است. در نظام اکثریتی، یک فرد و یا یک دستهٔ سیاسی برنده می شد و دیگر افراد و دسته های سیاسی به صورت مطلق ناکام می ماندند. این امر، به عنوان نقطه ضعف جدی مطرح است. اما در نظام تناسبی، حزب ها و دسته های سیاسی به تنهایی بازیگر میدان سیاست اند و جایی برای افراد مستقل باقی نمی ماند. از این روی، ضمن اشکال های جدی دیگری که این روش دارد، وارد نشدن افراد مستقل به عنوان نقطه ضعف جدی است.

بنابراین، بهتر می نماید تا معایب و کاستی های دو روش را کنار گذاشته و مزایایی آن ها را کنار هم قرارداد. در این صورت هیچ حزب سیاسی با این که اکثریت رای ها را بدست نیاورده است، بازندهٔ مطلق نیست و نیز افراد مستقل که بدون وابستگی به حزب ها و دسته های سیاسی تلاش دارند، وارد میدان گردند، اجازهٔ ورود را می یابند.

۲ . افغانستان و نظام انتخاباتی

به نظر می رسد که مطلوب ترین و واقع بینانه ترین روش و نظام انتخاباتی برای کشور، نظام انتخاباتی مختلط است. گرچند که در قانون اساسی از نقش دادن به حزب های سیاسی در انتخابات بحث مطرح نشده است، اما اگر این شیوه در پیش گرفته شود، انتخابات همه جانبه برگزار می شود و همهٔ گروه های اجتماعی و قشرهای مردمی خود را در پارلمان دیده و صدای شان بلند خواهد بود.

از یک طرف، به حزب های سیاسی اهمیت داده و به سمت «جامعهٔ سیاسی تحزب محور» گام بر می داریم و از این رهگذر، رقابت های سیاسی برمبنای تحزب و فکر سیاسی خواهد شد و از طرف دیگر، اشخاص و افراد مستقل شانس ورود به میدان انتخابات را باز می یابند.

۱. شریعت پناهی، سید ابوالفضل قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، ج۱۱، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۳، ص۵۷۷

۲. همان.

۳. همان.

کارتون روز

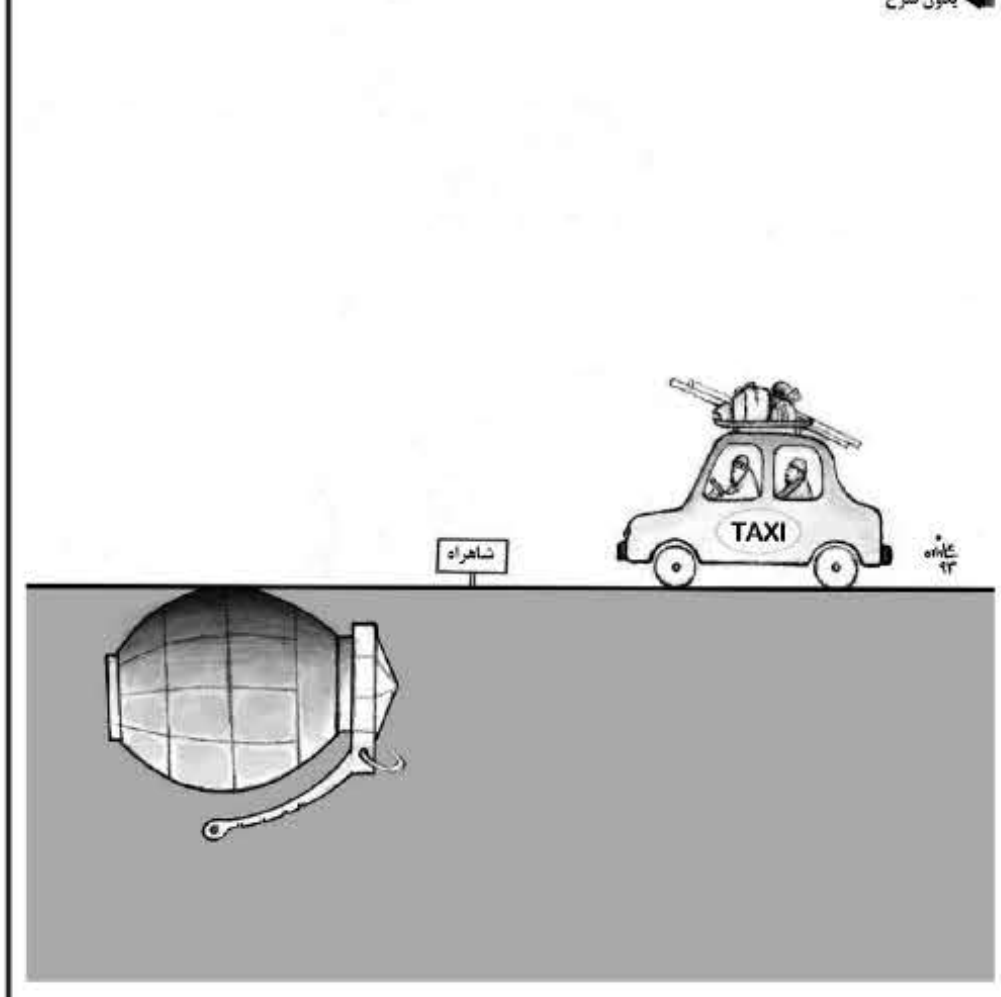

روزنامه افغانستان The Daily Afghanistan

صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا ۰۷۹۹۴۰۸۲۷۱
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا ۰۷۹۸۳۴۱۸۶۱
سردبیر : حفیظ الله زکی ۰۷۹۹۱۵۷۳۷۱

کاریکاتوریست: خالق علی زاده

دیزاین: محمد صالحی، علی‌اصغر زاهدی
مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷- ۱۳۷

روزنامه‌افغانستان از همهٔ دانشمندان و نویسندگان
دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهدهٔ نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر
دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

Daily Outlook AFGHANISTAN